

ماهیت سلامت معنوی و مبانی کلامی آن در نهج البلاغه: با تکیه بر اندیشه علامه جعفری

زهرا آبیاری

چکیده

سلامت معنوی به عنوان بعدی مهم از سلامت انسان، به تدریج در دهه‌های اخیر به موضوعی محوری در تحقیقات علمی و بالینی تبدیل شده است. این مفهوم به ارتباط عمیق فرد با خود، دیگران و جهان اطراف اشاره دارد و دربرگیرنده ابعاد مختلفی از جمله معنا، هدف و ارزش‌های زندگی است. بر اساس نظریه‌های جدید، سلامت معنوی نه تنها به عنوان یک عامل محافظتی در برابر اختلالات روانی عمل می‌کند بلکه به عنوان یک پیش‌نیاز برای بهبود کیفیت زندگی و سلامت جسمانی نیز شناخته می‌شود. مبانی کلامی به‌ویژه در متون دینی می‌تواند به عنوان منابع غنی برای تقویت سلامت معنوی عمل کنند. با توجه به اهمیت روزافزون سلامت معنوی در زندگی مدرن و تأثیرات مثبت آن بر سلامت روان و جسم، پژوهش در این حوزه به‌ویژه در ارتباط با مبانی کلامی و دینی، به عنوان یک ضرورت علمی و اجتماعی مطرح می‌شود. نظر به اهمیت این امر، در این پژوهش محقق با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی ماهیت سلامت معنوی و مبانی کلامی آن با نظر به اندیشه علامه جعفری، شارح نهج البلاغه، پرداخته شد. از مهم‌ترین نتایج این پژوهش این است که ماهیت سلامت معنوی در اندیشه علامه جعفری برگرفته از تزکیه، تقوا و حیات طیبه است. همچنین به دست آمد که وجود حضرت حق، اعتبار گزاره‌های دینی و قرار گرفتن سلامت معنوی در قلمرو دین، هدف بودن حیات طیبه در دین داری، امامت و ولایت مهم‌ترین مبانی کلامی است که در سلامت معنوی انسان نقش مهمی بر عهده دارد.

واژه‌های کلیدی: سلامت معنوی، علامه جعفری، مبانی کلامی، معنویت، نهج البلاغه

۱. طرح مسئله

امروزه سلامت معنوی یکی از ابعاد چهارگانه سلامت در کنار سلامت جسمی، اجتماعی و روانی است که توسط سازمان بهداشت جهانی مطرح شده است. تعاریف متعددی از این بعد سلامت توسط اندیشمندان این حوزه ارائه شده است. برخی سلامت معنوی را یک فرایند پویا و فردی می‌دانند که شامل رشد و توسعه شخصی در زمینه‌های معنوی و اخلاقی است و می‌تواند بر سلامت روانی و جسمی تأثیر بگذارد (Moberg, 2021, p525-536). همچنین سلامت معنوی به‌عنوان یک بعد از سلامت کلی فرد تعریف می‌شود که شامل احساس معنا، هدف و ارتباط با خود و دیگران است. این بعد از سلامت می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی و توانایی فرد در مواجهه با چالش‌ها کمک کند (Ferrell, 2019, p283-275) در تعریفی دیگر سلامت معنوی به توانایی فرد در یافتن معنا و هدف در زندگی، به‌ویژه در زمان‌های دشوار، اشاره دارد و می‌تواند شامل جنبه‌هایی از دین، فلسفه و ارتباطات انسانی باشد (Koenig, 2020, p6-12). وجود این بعد از سلامت که به‌عنوان یک منبع قوت در مواجهه با استرس‌ها و چالش‌های زندگی (Sulmasy, 2022, p641-635) همچنین مؤلفه‌ای برای یافتن هدف و معنای زندگی و یاری‌رسان به بهبود کیفیت زندگی عمل می‌کند (Hill & Pargament, 2023, p1-30) توانسته در اندیشه متفکران جهان مورد توجه قرار گرفته و از همین روست که مراقبت‌های معنوی در مراکز متعددی از جهان ایجاد شده و آثار مثبت آن در درمان بیماری‌ها مورد بررسی قرار گرفته و مؤیداتی یافته است. سلامت معنوی از دیدگاه اسلام، در واقع ارتباط و اتصال معنوی انسان با خداوند و رسیدن به آرامش قلبی است و در همین ارتباط با خالق است که انسان را از اضطراب، دل‌نگرانی و تشویش‌ها رها نموده و به آرامش می‌رسد. سلامت معنوی در متون دینی، نظیر نهج‌البلاغه، به‌عنوان

یک اصل اساسی برای رسیدن به آرامش و کمال انسانی مطرح شده است؛ امام علی (ع) تأکید می‌کند که تقویت ایمان و ارتباط با خداوند می‌تواند به فرد کمک کند تا در برابر مشکلات و چالش‌های زندگی مقاوم‌تر باشد. همچنین، سلامت معنوی به‌عنوان عاملی برای رشد شخصیت و دستیابی به سعادت ابدی در آموزه‌های دینی معرفی شده است (نهج‌البلاغه/ خطبه ۱۷۶) علامه جعفری یکی از این متفکران معاصر و شارح نهج‌البلاغه، در پرتو ایده «حیات معقول» روابط چهارگانه انسان (با خود، خدا، محیط پیرامون و جهان هستی) به ابعاد مختلف وضعیت روحی و روانی انسان معاصر و چالش‌های آن پرداخته، هدف نهایی حیات معقول «بهبودی معنوی» یا «سلامت معنوی» است. از نظر علامه منظور از حیات به طبیعی و معقول تقسیم می‌شود. حیات طبیعی جلوه‌های ظاهری و سطحی زندگی است که در قرآن نیز بدان اشاره شده (روم/۷) و به عقیده علامه، انسان‌های طبیعت‌گرا، برای ارزیابی حقیقت زندگی، مشاهده ظاهری را ملاک قرار می‌دهند. انسان نباید شیفته محسوسات زودگذر شود بلکه با توجه به خود حقیقی، معقولات و قوانین جهان هستی را درک کند. از نظر علامه کسانی که نمی‌توانند فعالیت‌های غریز طبیعی را تعدیل کنند و اشباع غریز، تمام زندگی حقیقی آن‌ها را تشکیل می‌دهد در «حیات طبیعی محض» قرار دارند و کسانی که فعالیت عقل و وجدان، برایشان امری اصیل قلمداد می‌شود و در تلاش‌اند تا استعداد‌های جسمی و روحی خود را شکوفا سازند و مطیع مطلق شرایط و عوامل محیطی نشده‌اند؛ بلکه با سعی درونی، همه شرایط را در راه رشد به کار می‌گیرند، کاروانیان «حیات معقول» هستند؛ از این‌رو «حیات معقول عبارت است از آن زندگی پاک از آلودگی‌ها که انسان دارای چنین حیاتی، خود را در یک مجموعه بزرگی به نام جهان هستی در مسیر تکامل می‌بیند که پایانش منطقه جاذبه الهی است» (جعفری، ۱۳۸۱، ص ۳۴۱).

حال با توجه به تعریف علامه جعفری از زندگی معقول، هدف از وصول به چنین زندگی‌ای، دست یافتن به آرامش و سلامت معنوی و همچنین رها شدن از همه عناصری است که موجب رنجش خاطر آدمی است؛ به تعبیری دست یافتن به سلامت معنوی از طریق حیات معقول صورت می‌پذیرد. هرچند به نحو خاص سلامت معنوی در بیان علامه نیامده است ولی در بینش اسلامی ارتباط و وصول معنوی انسان در ارتباط با خداوند است که انسان آرامش را به دست می‌آورد و از تشویش‌ها و اضطراب‌ها رها می‌گردد (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۲۸) و علامه جعفری این آرامش را با نظر به عناصری چون تقوا، تزکیه و حیات معقول تفسیر می‌کند.

توجه به مبانی سلامت معنوی در میان مطالعات صورت گرفته در این زمینه، بعدی مغفول در مطالعات است که از زوایای متعددی نیازمند اهتمام جدی پژوهشگران است. شاید بتوان گفت یکی از وجوه ضرورت توجه به مبانی سلامت را استواری و اتقان چپستی، چرایی و چگونگی سلامت معنوی دانست؛ به عبارت دیگر توصیف (چپستی)، تبیین (چرایی) و پیش‌بینی الگوی مناسب (چگونگی) در سلامت معنوی باید بر اساس مبانی محکم و قابل اتکایی به صورت مستدل و مستند باشد. نکته دیگر لزوم سیاست‌گذاری در نظام سلامت بر اساس چارچوب و مبانی مشخص و مورد توافق است. با توجه به ارتباطات جهانی و تعامل روزافزون و اجتناب کشورها با یکدیگر و تأثیر متقابل فرهنگی آن‌ها در حوزه سلامت نیز این اختلاط فرهنگی مشهود و قابل توجه است؛ بنابراین برای نیل به نظام سلامت بومی و اسلامی متناسب با فرهنگ داخلی و زیست‌بوم خود، لازم است مبانی سلامت به طور عام و به‌ویژه در حوزه سلامت معنوی شفاف شود. مبانی سلامت معنوی، از یکسو ممانعت از اختلاط فرهنگی دارد و از سوی دیگر به سیاست‌گذاری واحد نظام سلامت مساعدت می‌کند. هماهنگی و تعامل سازنده و مستمر میان همه عوامل سهیم

در روند گسترده و پیچیده نظام سلامت مستلزم توجه کردن به مبانی مشترک در سلامت است؛ تا هم از تعارض و تزاخم میان عوامل و برنامه‌های سلامت جلوگیری کند و هم موجب هم‌افزایی بیشتر گردد (آذربایجانی، ۱۴۰۲، ص ۵۵).

افزون بر این‌ها تدوین چارچوب نظری مناسب در دایره جهان‌بینی و نظام فکری و ارزشی اسلام برای سلامت معنوی در جامعه اسلامی ایران با توجه به میثاق ملی قانون اساسی و تأکیدات مکرر رهبران و مسئولان جمهوری اسلامی در این موضوع و نیز لزوم گسترش و نهادینه‌سازی فرهنگ و ارزش‌های اسلامی در میان نسل جوان با تکیه بر فرهنگ اسلامی و ایرانی، همگی ضرورت توجه به مبانی سلامت معنوی را در این چارچوب دوچندان می‌کند (صادق زاده قمصری و همکاران، ۱۳۸۹).

حال با نظر به اهمیت مسئله، بررسی این امر در متون دینی چون نهج‌البلاغه ضرورت این کاوش را دوچندان می‌کند و با توجه به اینکه علامه جعفری یکی از شارحان نهج‌البلاغه هستند، تبیین این مبانی با تکیه بر اندیشه علامه جعفری ضمن نشان دادن نوآوری این پژوهش، حاکی از این است که سلامت معنوی بر مبانی متعدد انسان‌شناسی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی خاصی استوار است که در این پژوهش صرفاً مبانی کلامی چون وجود حضرت حق، جامعیت دین برای هدایت، اعتبار گزاره‌های دینی، قرارگیری سلامت معنوی در قلمرو دین، دست‌یابی به حیات معنوی به‌عنوان هدف‌گذاری دین‌داری و امامت و ولایت مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۲. پیشینه تحقیق

اهمیت این مسئله در پژوهش‌های متعددی مورد توجه قرار گرفته است که به روش‌های مختلف سلامت معنوی را در آیات و روایات و نهج‌البلاغه مورد کاوش قرار داده‌اند؛ اما آنچه کمتر بدان توجه شده، توجه به این بعد سلامت در اندیشه

علامه جعفری است؛ هرچند رحمانی و کرمی (۱۴۰۰) در مقاله «تحلیل رابطه حیات معقول با سلامت معنوی در اندیشه علامه جعفری» به این نتیجه رسیده است که سلامت معنوی نتیجه حیات معقول و راه رسیدن به آرامش و اطمینان روحی است و توقف در حیات طبیعی، مانع دستیابی به هدف حیات حقیقی زندگی است؛ از این رو علم، ایمان و عمل به تعالیم دین، دواي دردهای انسان معاصر است؛ ولی پرداختن به ماهیت و مبانی سلامت معنوی در اندیشه علامه جعفری فاقد پیشینه است؛ از این رو وجه تمایز این مقاله با پژوهش مذکور در این است که مبانی کلامی سلامت معنوی در مطالعات یافت نشد همچنین در وجه دیگری با تکیه بر شرح نهج البلاغه این مسئله مورد پژوهش قرار خواهد گرفت که از این زاویه نیز دارای نوآوری است.

۳. روش پژوهش

همان‌گونه که اشاره شد این مطالعه از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده است. در روش توصیفی تحلیلی نمی‌توان مانند روش‌های کیفی سخن از تحلیل محتوا و مضامین به معنای مصطلح آن به میان آورد؛ اما چنانچه معمول این نوع مطالعات است با تتبع در شرح نهج البلاغه علامه جعفری، کلیدواژه‌های مرتبط با سلامت معنوی چون معنویت، حیات معقول، تقوا و تزکیه جستجو شد و مطالب و واحدهای دربردارنده این مفاهیم در پیوستار فکری علامه جعفری تبیین شد. سپس با توجه به مبانی فکری علامه جعفری، بار دیگر مبانی کلامی مرتبط با سلامت معنوی نیز مورد جستجو قرار گرفت و سپس تبیین و بررسی شد.

۴. ماهیت سلامت معنوی در اندیشه علامه جعفری

سلامت معنوی به‌عنوان یک عنصر اساسی در حیات معقول است. از نظر علامه حیات معقول که به معنای زندگی در راستای

اهداف و ارزش‌های انسانی است، نیازمند یک بنیاد معنوی قوی است. سلامت معنوی به فرد این امکان را می‌دهد که با درک عمیق‌تری از خود و جهان پیرامون، به جستجوی معنا و هدف در زندگی بپردازد. در واقع، حیات معقول بدون سلامت معنوی ناقص است، زیرا فرد نمی‌تواند به شناخت کامل از حقیقت وجود و ارتباط خود با خداوند و دیگران دست یابد. این ارتباط عمیق، منجر به ایجاد آرامش درونی و رضایت از زندگی می‌شود که از مؤلفه‌های اصلی سلامت معنوی به شمار می‌رود. نظر به جایگاه این مؤلفه، در زیر ابتدا به تبیین حیات معقول پرداخته خواهد شد.

الف) حیات معقول

از نظر علامه شش نوع زندگی در این دنیا امکان‌پذیر است:

۱. زندگی ناآگاهانه و بدون استقلال شخصیت و آزادی و اختیار؛
۲. زندگی دنیوی برای دنیای محض؛
۳. زندگی معنوی برای بعد لطیف روح یا برای آخرت محض؛
۴. زندگی دو عنصری دنیوی و اخروی که هر یک مستقلاً هدف قرار گیرد؛
۵. زندگی معنوی نما برای زندگی دنیوی محض؛
۶. زندگی دنیوی در مسیر حیات اخروی که حیات معقول نامیده می‌شود (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۵، ص ۱۹).

زندگی نوع ششم را پیامبران الهی و حکمای راستین برای بشریت عرضه و تبلیغ می‌کنند. آنان با توجه به واقعیت‌های دو قلمرو انسان و جهان که با نظر مستفاد از وحی یا دریافت مشیت خداوندی که مستند به معارف حکیمانه حکمای ربانی به‌وسیله تصفیه و تزکیه رون است، زندگی را یک حقیقت بسیار عالی و با عظمت معرفی می‌کنند و این پدیده را تا منطقه جاذبه ربوبی قابل ترقی و اعتلا می‌دانند. از دیدگاه آنان اگر این حقیقت عظمی با دو بال «معرفت» و «عمل سازنده» به پرواز درآید و از آلودگی‌های گوناگون طبیعت حیوانی آزاد شود، در مسیر حیات

اخروی قرار می‌گیرد و «حیات معقول» نامیده می‌شود. این است آن زندگی که هر چه در این دنیا بگیرد، بدان علت که آن را در پالایشگاه عقل و وجدان تصفیه کرده تحویل «حیات معقول» می‌دهد، به‌عنوان اندوخته‌های پایدار روح در ابدیت سعادت و نجات ابدی را تضمین می‌کند (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۵، ص ۲۵).

معنای اینکه زندگی در مسیر حیات اخروی قرار گیرد این است که اشخاصی که با دو بال معرفت و عمل سازنده و صالح و با اطمینان به هدف اعلائی زندگی حرکت می‌کنند اگرچه نموده‌های زندگی آنان مادی و دنیوی است حقیقت و مغز باطنی این زندگی حیات اخروی و حقیقت معنوی است. به چنین زندگی که مغزش اخروی و معنوی و نمودش دنیوی و مادی است حتی لحظه‌ای احساس پوچی و رکود و جمود راه نمی‌یابد و در عین قرار گرفتن زیر رگبار ناگواری‌های مخصوص تلاقی روح و ماده (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۵، ص ۲۶) همواره مصداق این شعر است:

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست (سعدی)

علامه جعفری در شرح خطبه ۸۶ در تفسیر فرازی از نهج‌البلاغه و بیان بخشی از شرایط زیستن در پرتو حیات معقول می‌پردازد که بیانگر مختصات انسان دارای سلامت معنوی است. در نظر علامه انسانی که در مسیر حیات معقول است خیرخواه‌ترین مردم درباره خویشتن و مطیع‌ترین مردم به پروردگار است. اطاعت خداوندی در هر شکل و با هر مقدار و در هر زمان چیزی جز شکوفایی و فعلیت روح خود آدمی نیست (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۶۱). توضیح اینکه برخی تصور می‌کنند اطاعت از خداوند برقرار کردن رابطه میان خود و خداوندی است که نتیجه آن نصیب خداوند می‌شود. این تلقی علاوه بر اینکه موجب کبر و نخوت برای مطیع است قدر و منزلت خداوندی را نیست تنزل می‌دهد. این امر به سلامت روحی و معنوی انسان خسارت وارد می‌کند چاره این گرفتاری شدید

روی این است که آدمی در حال اطاعت و انجام هرگونه تکلیف بداند که در ارتباط با خداوند اوست که هستی خود را به آن مقام شامخ عرضه کند. او با علم به این حقیقت و انگیزه قرار دادن آن در هنگام ارتباط با خدا هستی خود را شکوفا می‌کند و بایستی و شایستی آن را به فعلیت می‌رساند. از طرفی هراندازه آگاهی او به عظمت و بی‌نیازی خداوند افزوده شود جوشش اشتیاق او به عرضه کردن همه ابعاد در سطوح موجودیت خویشتن و تسلیم آن‌ها به آن ذات الهی بیشتر می‌شود (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۶۳).

یکی دیگر از شرایط زیستن در حیات معقول این است که انسان باید تلاش کند تا با پرهیز از معصیت زمینه دریافت فیوضات الهی را در خود فراهم کند؛ زیرا تأسف‌بارترین حالات یک انسان خصومت و عداوت با خویشتن است. در حقیقت با معصیت و فراموشی خدا خود طبیعی فرمانده مطلق العنان درون می‌شود و روح به جهت عدم تحمل جنایات وارده خود را از میدان حیات برکنار و از دیدگاه درون ناپدید می‌شود (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۶۴).

همچنین در حیات معقول است که انسان هر زیانی که به روح وارد شده بایستی جبران کند و خود را از آن نجات دهد (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۶۴). مشخصه دیگر اینکه یکی از اساسی‌ترین قوانین حیات معقول این است که انسان پند و اندرز مؤثر از دیگران را دریافت کند تا اگر در مسیر صحیح گام برداشتند از آنان برای رسیدن به هدف استفاده کند اگر سقوط و نابودی انسان‌ها را دیده از آن‌ها درس بگیرد (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۶۴).

داشتن زیست اخلاقی چون پرهیز از حسد (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۷۳)، پرهیز از دروغ‌گویی (همان، ج ۶، ص ۷۰)، ترک هم‌نشینی با هواپرستان (همان، ج ۶، ص ۶۹)، دوری از ریا (همان، ج ۶، ص ۶۸) از دیگر شرایط زندگی معقول است که در این خطبه علامه شرح شده است همه این‌ها نشان

از یک زندگی همراه با سلامت معنوی است.

ب) تقوا

امام علی برای تنها در یک خطبه (۸۳) سه بار تقوا را گوشزد می‌کند و مردم را به تقوا توصیه می‌کند. این انسان کامل در سراسر سخنان که در جهت آماده کردن جامعه انسانی برای تربیت و تعلیم انسان کامل فرموده است بیش از همه مطالب تقوا اهمیت داده است. این اهمیت دادن متقن‌ترین و روشن‌ترین دلیل برای اصل الاصول بودن تقواست (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۵، ۴۱۶). «تقوا یعنی صیانت و حفظ ذات آن گوهر شریف که قدرت پیشرفت تا منطقه جاذبه ربوبی دارد دستبرد کثافت‌ها و لجن‌ها و عوامل سقوط» (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۵، ص ۳۴۲). هیچ عاملی برای به دست آوردن آن هدف والا جز تقوا که عبارت است از «صیانت معقول ذات» در راه کمال وجود ندارد (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۵، ۳۵۳).

امام علی در خطبه ۸۳ که انسان‌ها را به تقوا دعوت می‌کند مختصات تقوا که می‌تواند انسان متقی را به هدف اعلائی حیات نائل کند، تشریح کرده است: شنیدن حقیقت و تسلیم شدن در برابر آن، اعتراف به گناه و توجه به پیامدهای آن (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۵، ص ۳۴۵)، توجه به شئون زندگی و احتیاط در مورد آن که یکی از اساسی‌ترین عامل تصفیه روح است. این عمل هم موجب آرامش درونی شده زیرا می‌داند که در هر رویدادی که پیش می‌آید حسابگری دقیق خود را انجام داده است و اگر واقعیت برخلاف محاسبات او درآید دلهره و اضطرابی نخواهد داشت؛ زیرا می‌داند که او از نظر آگاهی و معلومات و به کار بردن محصول تجارب و مراعات احتیاط تقصیری نکرده است؛ همچنین حذر و احتیاط آگاهی آدمی را به آینده و نتایج کارهایش بیشتر و عمیق‌تر کرده و در نتیجه از دستبرد و فریبکاری و دغل‌بازی‌ها و نقشه‌کشی‌های هم‌نوعان تبهکار خود در امان است. در رویدادهای آینده به شکل تصادف‌های

کوبنده ر راه حرکتش نمی‌شوند و را در بهت و تحیر کلافه نمی‌کنند (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۵، ص ۳۴۶).

نکات دیگری که از این خطبه درباره تقوا به دست می‌آید اینکه بیم و هراس از عواقب وخیم بی‌هدفی و بی‌اعتنایی به اصول و ارزش‌های انسانی از مؤثرترین عوامل صیانت ذات از آلودگی‌ها و بیهودگی‌هاست. هم‌چنین انجام کار بر اساس یقین و پرداختن به اعمال صالحه با عمل مستند به یقین کار آزادانه روح است؛ در صورتی که عمل بر مبنای گمان و در تاریکی شک همواره به انگیزش عوامل بی‌پایه است (همان). از نظر علامه روح آدمی در هیچ حالتی مانند یقین نمی‌تواند واقعیت را دریابد و ارزش حقیقی آن را بچشد: «نورانیت یقین است که می‌تواند همه ظلمات اوهام و اباطیل متلاشی کننده مغز و واقعیات را بزدايد. اعمال صالحه صورتی دارند و معنایی بدون یقین هیچ عمل صالحی دارای معنا و محتوا نخواهد بود» (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۵، ۳۴۷).

نگاه عبرت‌آمیز به دنیا و رویدادها و روابط میان انسان‌ها، اجابت دعوت حق و توبه از گناهانی که مرتکب شده (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۵، ص ۳۴۹) از دیگر نکات این خطبه است؛ منظور توبه از گناه یعنی بازسازی درون ویران شده. بی‌اعتنایی به این بازسازی معنایی جز تخریب کلی ساختمان شخصیت ندارد (همان). پیروی از رسولان الهی و پیوستن به رشد یافتگان (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۵، ص ۳۵۰)، درک حقیقت از اولین لحظات آشنایی انسان با خویشتن (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۵، ص ۳۵۰)، نجات یافتن انسان با گریز از پلیدی‌های در طلب کمال شناخت (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۵، ص ۳۵۱) و سرانجام اندوختن تزکیه و درون و به همراه داشتن زاد و توشه برای معاد با اعمال صالح (همان) مهم‌ترین نکات استخراجی از این خطبه است که ویژگی‌های تقوا را بیان می‌کند.

ج) تزکیه

علامه در تفسیر خطبه ۸۳ بعد از بیان مختصات تقوا به عنوان دوازدهمین مختصات تقوا به تزکیه اشاره می‌کند: «برای صیانت معقول ذات به فعلیت رساندن استعدادها مثبت آن همان ذخیره‌ای است که برای ابدیت و بقا و بقای الله ضرورت دارد. بارور شدن و به فعلیت رسیدن آن استعدادها بدون تزکیه باطن برای هیچ کس امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین آبادی معاد و تأمین ابدیت برای صیانت معقول ذات تزکیه درون است و به فعلیت رساندن استعدادها مؤکد کمال» (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۵، ۳۵۱).

۵. مبانی کلامی سلامت معنوی در اندیشه علامه جعفری

سلامت معنوی به عنوان یکی از ابعاد کلیدی سلامت کلی انسان، در سال‌های اخیر توجه فزاینده‌ای را به خود جلب کرده است. در این راستا، کلام اسلامی به عنوان یک نظام جامع فکری و عملی، می‌تواند نقشی اساسی در ارتقاء سلامت معنوی افراد ایفا کند. توجه به مبانی کلامی به عنوان شکل‌دهنده به رفتارها و نگرش‌های فردی و اجتماعی، می‌تواند به تقویت احساس هویت، هدفمندی و آرامش درونی کمک کنند این مبانی در اندیشه علامه عبارت‌اند از:

الف) وجود حضرت حق

وجود نه تنها به عنوان یک اصل فلسفی و کلامی بلکه به عنوان یک عامل مؤثر در ارتقاء سلامت معنوی انسان عمل می‌کند. وجود حضرت حق با مؤلفه‌هایی چون توکل، ایمان و توجه به رضای الهی، نیت خالص، شکرگزاری، تواضع، صبر، نماز، ذکر و یاد خدا می‌تواند در سلامت معنوی اثرگذار باشد. از نظر علامه تاریخ خداشناسی و خداپرستی مساوی با تاریخ انسان است؛ بدین معنی که انسان همواره خداشناس و خداپرست بوده است. گرایش‌ها و نیایش‌های ماورای طبیعی

که از آغاز تاریخ بشر وجود داشته، نشانگر آن است که هیچ‌گاه بشر بی توحید زندگی نکرده است (نصری، ۱۳۸۳، ص ۲۸۱). از نظر علامه تاکنون هیچ‌یک از مخالفان خدا نتوانسته‌اند دلیلی بر نفی وجود خدا ارائه دهند بلکه فقط به نقد دلایل خداشناسان پرداخته‌اند. از نظر منطقی مناقشه در دلایل معتقدان خدا نمی‌تواند دلیلی بر عدم آفریدگار جهان تلقی شود. کسی هم که می‌خواهد خدا را نفی کند باید دلیلی مستقل بر نبود او ارائه دهد (نصری، ۱۳۸۳، ص ۲۸۳).

حال با نظر به این امر، یکی از مؤلفه‌های سلامت معنوی در اندیشه علامه جعفری ایمان به خداوند است. به تعبیر علامه اگر ایمان وجود نداشته باشد، اعمال صالحه قابل استناد به خدا و حداقل به وجدان امکان‌پذیر نخواهد بود؛ اگرچه کارهای بسیار بزرگی از انسان صادر گردد و مردم عادی هم‌چنین انسانی را قهرمان تلقی کنند (جعفری، ۱۳۵۷-۱۳۷۸، ج ۲۶، ص ۱۴). اخلاص رابطه نزدیکی با ایمان و تقرب به خداوند دارد. علامه اخلاص را دو نوع می‌داند: اخلاص در معنای عام که عبارت است از مطلوب ذاتی تلقی شدن یک واقعیت، خواه آن واقعیت جنبه ارزشی داشته باشد یا نداشته باشد (مانند علم، ثروت، قدرت و...) اخلاص به این معنا جزء ارزش‌ها به شمار نمی‌رود تا موجب رشد شخصیت انسان شود. اخلاص در معنایی دیگر عبارت است از مطلوب ذاتی تلقی شدن واقعیتی که وصول به آن استعداد را به فعلیت می‌رساند. این نوع اخلاص ارزشی است (نصری، ۱۳۸۳، ص ۳۰۱). از نظر علامه اخلاص از نوع اول موجب تورم خود طبیعی انسان می‌شود و آدمی را در اندوه فرومی‌برد؛ اما اخلاص ارزشی موجب رشد و کمال انسان است. با عظمت‌ترین اخلاص ارزشی که تکیه‌گاه سایر اخلاص‌های ارزشی است، اخلاص به کمال برین یعنی خداوند است. انسانی که به خدا اخلاص ورزد از بایستگی‌ها و شایستگی‌های انسان آگاهی دارد و در مسیر آن‌ها حرکت می‌کند. از آنجاکه اخلاص کامل موجب شکوفایی جوهر اصیل



روح انسانی می‌شود؛ بنابراین این اخلاص اگر به چیزی جز خدا تعلق پیدا کند خسارت جبران‌ناپذیر بر روح انسان وارد می‌کند (نصری، ۱۳۸۳ ص ۳۰۱). علامه در جایی دیگر اخلاص را یکی از شروط حیات معقول معرفی می‌کند و در دسته‌بندی دو نوع بالا این‌گونه بیان می‌دارد که اخلاص ارزشی با خودخواهی و خودمحوری نمی‌سازد این اخلاص موجب آرامش خاطر انسان در زندگی پرفرازونشیب و پراضطراب می‌گردد؛ بنابراین اخلاص به هر چیزی غیر خدا، نه تنها آرامش نمی‌آورد، بلکه خسارتی جبران‌ناپذیر خواهد بود و همه رنج‌ها و تلاش‌ها که در این راستا انجام گرفته باشد، بیهوده و بی‌نتیجه خواهد شد. این اخلاص همواره در معرض خطر و حسادت و دشمنی شیطان است: «قَالَ رَبِّمَا أَغْوَيْتَنِي لِأُزِينَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا أُغْوِيَهُمْ أَجْمَعِينَ» (ص ۸۳)؛ همچنین هر چه دوام و استمرار پیدا کند، قلب آدمی نورانی‌تر و به شناخت اصول بنیادین هستی و حیات معقول موفق‌تر می‌گردد (جعفری، ۱۳۵۷-۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۲۱۱).

در خطبه اول نهج البلاغه نیز امام علی (ع) در بحث از توحید و اخلاص چنین فرمود: «اول الدین معرفته و کمال معرفته التصدیق به و کمال التصدیق به توحیده و کمال توحیده الاخلاص له»؛ سرآغاز دین خدانشناسی است و کمال خدانشناس، باور داشتن او و کمال باور داشتن او، شهادت به یگانگی است و کمال توحید، اخلاص است و اخلاص به ذات حق یعنی قرار گرفتن در مسیر «انا لله و انا الیه راجعون». اخلاص عبارت است از کشیدن عصاره و جوهر جان محبوب در راه به دست آوردن حقیقتی که مطلوب ذاتی تلقی شده است. اخلاص یک معامله است که دو طرف دارد یک‌طرف جان شخص است طرف دیگر آن حقیقتی که مطلوب ذاتی است و چون جان انسانی محبوب مطلق است لذا باید این محبوب مطلق در راه آن مطلوبی مستهلک گردد که محبوبیت آن مافوق جان باشد والا معامله‌ای خواهد بود که خسارتش با هیچ چیزی

جبران نخواهد شد (جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۱۹۵).

ذکر و یاد الهی نیز مؤلفه دیگری در سلامت معنوی است و نقش پایه‌ای ایفا می‌کند. از نظر علامه جعفری به یاد خدا بودن آثار و فواید گوناگونی دارد (همان، ج ۱۰، ص ۳۰۳-۳۰۵) از جمله یاد خدا جایی برای غیر خدا در قلب انسان نمی‌گذرد؛ موجب رهاسازی انسان از مادیات و فروافتادن در حیات طبیعی شده زندگی را معنادار می‌کند؛ نشاط را برای انسان سبب می‌شود و نمی‌گذارد تا اندوه‌های ناشی از اختلالات حیات طبیعی محض به شخصیت انسان آسیب وارد سازد: «همان‌گونه که نمی‌گذارد شادی‌های نسبی ناشی از نوازش‌های حیات طبیعی محض، راز نهانی شخصیت را از بین ببرد» (همان، ج ۱۳، ص ۱۲۰). همچنین وسوسه‌ها و تخیلات و توهمات مغزی و روانی از میان بروند و نیروهای ثمربخش مغز و روان آدمی بیهوده مستهلک نمی‌شود؛ فعالیت‌های مغزی و روانی انسانی تنظیم‌شده و با ایجاد آرامش درونی تعادل وجودی انسان حفظ می‌شود. ذکر الهی شخصیت انسان را از تجزیه شدن در میان اجزای گسسته جهان طبیعت بازمی‌دارد و با دریافت اصول ثابت حاکم بر جهان و اشراف بر هستی آرامشی خاص به حیات انسان ببخشد؛ و درنهایت، با یاد الهی استعداد‌های مثبت درونی انسان به فعلیت می‌رسد. هر چند پرداختن به سایر مواردی که علامه جعفری درباره ذکر و یاد خداوند پرداخته است بیش از این بوده؛ ولی همین موارد نشان‌دهنده این است که وجود خداوند نقش ارزنده‌ای در سلامت معنوی انسان ایفا می‌کند.

ب) جامعیت دین برای هدایت

دین اسلام مجموعه‌ای جامع برای هدایت و سلامت معنوی انسان است. دین حقیقت واحدی است که از سوی خدا برای هدایت بشر به سوی سعادت حقیقی و جاوید فرستاده شده است و شرایع توحیدی مصادیق متکامل آن به شمار می‌روند.

خاستگاه دین حق فطرت انسان و شکوفایی آن است چنانچه در آیات متعددی (آل عمران/۱۹، توبه/۳۳، یونس/۱۰۵، انعام/۱۲۵) این مبنا آمده است.

به نظر علامه جعفری دین مهم‌ترین منبع معنا بخش به زندگی است که نقش مهمی در سلامت معنوی افراد دارد؛ به نحوی که به نظر علامه بدون مذهب حتی نمی‌توان از فلسفه و هدف زندگی یادکرد و اگر کسی با کاوش توانست بدون مذهب برای زیستن خود فلسفه پیدا کند «شمارا به خدا قسم زود به من خبر دهید»؛ اما علامه در ادامه بیان می‌دارند که: «اگر مقصود از دین یک مجموعه عقاید بی‌پایه و انجام دادن اعمال بی‌اساسی به‌عنوان دین باشد نه تنها دین به این معنا نمی‌تواند در حیات بشری ضرورتی داشته باشد، بلکه مختل‌کننده حیات معقول بشری خواهد بود» (جعفری، ۱۳۵۷-۱۳۷۸، ج ۱، ص ۸۷). دینی که علامه از آن سخن می‌گویند گواراترین آب حیات زندگی انسان‌هاست؛ زیرا تنها دین است که چهار سؤال اساسی (من کیستم؟ از کجا آمده‌ام؟ به کجا می‌روم؟ برای چه آمده‌ام؟) بشر را پاسخ می‌دهد. از نظر علامه فقدان دین و دین‌داری ندانستن پاسخ به مبدأ و مقصد زندگی انسان‌هاست که موجب گیجی تحیر و بی‌معنایی زندگی آن‌ها می‌شود. منظور از معنای زندگی، معنای دینی زندگی است. انسان زمانی می‌تواند زندگی معناداری داشته باشد که سرلوحه زندگی خود را آرمان‌های اخلاقی والا قرار دهد؛ آرمان‌های اخلاقی والایی که از دین نشئت گرفته باشد. به باور او تنها خواسته اصیل دین و اخلاق است که جوهر حیات ما را تفسیر می‌کند و به آن معنا می‌دهد. علامه عامل بیشتر خودکشی‌ها را پیروی از تمایلات نفسانی می‌داند که تنها راه حل آن زندگی توأم با معنویت و اخلاق است (همان، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۴، ص ۱۰۰).

وی به‌صراحت اعلام می‌کند که اگر اخلاق و دین را از زندگی حذف کنیم حیات ورشکسته خواهد شد. او همچنین توصیه می‌کند که اگر فلسفه دیگری جز این دو برای حیات

در نظر بگیرید به بن‌بست خواهید رسید. علامه از آلبرکامو یاد می‌کند که در مورد هدف زندگی کارکرده؛ ولی غفلت او از دین به‌عنوان مهم‌ترین عامل معنا بخش به زندگی وی را به پوچی کشانده است و در آخر به این نتیجه رسیده که مذهب است که پاسخ آن برای هدف حیات به قوت خود باقی است (همان، ۱۳۸۱، ص ۵۹۱).

انسان دین‌دار عهده‌دار رسالتی الهی خواهد بود که عبارت است از احساس تعهد و ابلاغ و اجرای حقایق عالی‌تر از وضع موجود یا کوشش برای ادامه آن حقایق از یک منبع بالاتر به انسان‌هایی که نیازمند آن حقایق می‌باشند، موضوع این رسالت آرمان و ایده آل‌های اعلای انسانی با شعار «آنچه باید بشود، عامل تحریک انسان‌ها و پیشرفت آن‌ها خواهد بود» (جعفری، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۷-۴۲)؛ بنابراین نه تنها دین عامل رکود انسان نیست بلکه تنها راه هموار و کوتاه و حساب‌شده‌ای است که با آموزه‌های خود انسان را به‌طور هدفمند در مسیری رو به تکامل هدایت خواهد کرد این تکامل همان تلاش برای رسیدن به حیات طیبه است که خود یکی از مؤلفه‌های مهم سلامت معنوی دانسته می‌شود.

علامه حتی درباره ارزش و اهمیت حیات در موارد بسیاری به قرآن و روایات گوناگون از ائمه اطهار (ع) استناد می‌کند و معتقد است که انسان باید قبل از هرگونه قضاوت و داوری درباره حیات سرچشمه اصلی آن را بشناسد؛ زیرا به باور ایشان چیزی که آغازش درک نشود، خودش را نمی‌توان فهمید و چیزی که خودش فهمیده نشود نمی‌توان از هدفش سؤال کرد (همان، ۱۳۸۹، ص ۸۸). علامه همچنین دین را نردبان آسمان می‌داند و معتقد است که حس دینی با ورود به قلب انسان شکل می‌گیرد و انسان به‌موجب آن به عالم ملکوت راه می‌یابد. اگرچه دستیابی به این حس دینی مشکل و حفظ آن نیز تنها با استمداد از پیامبران ممکن است هرچقدر انسان به امور مادی و دنیوی کم‌توجهی کند حس دینی وی رشد و تعالی بیشتری

می‌یابد (همان، ۱۳۵۷-۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۵۸).

از نظر علامه جعفری انسان برای اینکه معنای زندگی خود را درک کند باید از موقعیت و جایگاه خودش در عالم آگاه شود و بداند که قانون الهی انسان را چگونه مطرح می‌کند. به اعتقاد او انسان باید بداند که مانند کلمه‌ای نیست که صرفاً در کتاب تاریخ بشری افتاده باشد و هیچ ملزم نباشد که جایگاه خود را در این کتاب درک کند و از دخالتش در این کتاب بپرسد؛ بلکه قانون الهی درباره انسان می‌گوید تو ای انسان که در وسط کتاب هستی قرار گرفته‌ای کوچک نما تو همان ارزشی را داری که کتاب هستی دارد تو هرگز در این کتاب حرف ربط نیستی بلکه جهان بزرگ را درون تو قراردادم؛ ولی اگر وجود تو گورستان این جهان شده، به خودت مربوط است. علامه، انسان را با جهان هستی مقایسه می‌کند و او را از جهان برتر می‌داند؛ زیرا معتقد است انسان، علت غایی عالم آفرینش و انگیزه خدا از خلقت و به جریان انداختن جهان هستی بوده است (جعفری، ۱۳۵۷-۱۳۷۸، ج ۸، ص ۴۸۶)؛ بنابراین انسان باید جایگاه واقعی خود را در جهان هستی بفهمد تا بتواند درک کاملی از معنای واقعی زندگی داشته باشد. انسان بیگانه از خویشتن نه تنها از مفهوم عالی انسانیت دور است بلکه از احساس اینکه او هم موجودیتی دارد، نهی خواهد بود.

علامه همچنین در این راستا بیان می‌دارند که با نظر دقیق در معنای هدف بدون تردید هدف متعالی با غوطه‌ور شدن در تمایلات جبری و شبه جبری خود طبیعی که احساس آزادی را خوشایند جلوه می‌دهد، حاصل نمی‌شود و نه تنها وصول به هدف اعلای حیات امکان‌پذیر نیست بلکه برای انسان‌هایی که بازیگر این صحنه هستند حقیقتی به‌عنوان هدف اعلای حیات تصور شدنی نیست. وصول به هدف متعالی حیات به دو مقدمه ضروری نیازمند است که بدون این دو مقدمه، تصورات و سخنان مربوط به این هدف خیالات و یاهو‌هایی بیش نیستند.

۱. استفاده منطقی از فعالیت‌های عقل سلیم که با وجدان

پاک و دریافت‌های فطری انسان هماهنگ است.

۲. اراده جدی به بهره‌برداری از فعالیت‌های عقلانی که تفسیرکننده هدف اعلای حیات است.

مقصود از هدف متعالی حیات از نظر ایشان، شرکت در آهنگ کلی هستی وابسته به کمال برین است. علامه برای روشن شدن منظور از «شرکت در آهنگ کلی هستی» با استناد به آیه‌ای از قرآن آن را تبیین می‌کنند بدین صورت که از نظر علامه معنای این عبارت در آیه‌ای از قرآن «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» متجلی شده است و منظور آن قرار گرفتن در جاذبه ربوبی و تصفیه روح از آلودگی‌های حیوانی و ردایل اخلاقی است که به‌وسیله تکالیف مقرر از جانب پیامبران الهی تسلیم شدن در برابر دستورات سازنده وجدان برین و تغییر دادن من مجازی به من حقیقی به دست می‌آید. از این هنگام آگاهی حقیقی به لزوم شرکت در آهنگ کلی هستی به وجود می‌آید و اراده حرکت و ورود به هدف اعلای حیات شروع می‌شود. علامه جعفری برای تبیین هدف متعالی حیات انسان‌ها را به «حیات طبیعی محض» و «حیات معقول» تقسیم می‌کند. به عقیده ایشان حیات طبیعی محض نوعی زندگی حیوانی است و افرادی که در آن ساکن اند به تنازع بقا اشتغال دارند. در حیات طبیعی محض اشباع غرایز طبیعی اصالت دارد و حیات انسانی اسیر خواسته‌های طبیعی است و ابعاد مثبت وجود آدمی به فراموشی سپرده شده و بسیاری از توانایی‌ها، ظرفیت‌ها و استعداد‌های او نادیده گرفته شده یا به نابودی گراییده است. از سویی این حیات ویژگی‌هایی دارد که در آن ابعاد و ظرفیت‌های وجودی و استعداد‌های آدمی در نیل به دستخوش فراموشی می‌شود. کاروانیان حیات معقول در اندیشه علامه جعفری عبارت‌اند از: افرادی که از تعدیل فعالیت‌های غرایز خود عاجزند و اشباع آن غرایز را متن حقیقی می‌دانند. افرادی که خود را ملزم به شکوفا ساختن استعداد‌های مغزی و روانی نموده و نه تنها برده مطلق شرایط و عوامل محیط اجتماعی

نشده بلکه همواره با تلاشی درونی سعی در تعدیل روابط در مسیر رشد اجتماعی داشته‌اند. او حیات معقول را حیاتی پاک از آلودگی‌ها می‌داند که فرد خودش را در مجموعه بزرگی به نام جهان هستی که پایش منطقه جاذبه الهی است در مسیر تکامل می‌بیند (جعفری، ۱۳۵۷-۱۳۷۸، ج ۵، ص ۱۰). به نظر وی حیات معقول حیات آگاهانه‌ای است که نیروها و فعالیت‌های جبری و جبر نمای حیات طبیعی را با برخورداری از رشد آزادی شکوفان در اختیار در مسیر اهداف تکاملی نسبی تنظیم می‌کند و شخصیت انسانی را که به تدریج در این گذرگاه ساخته می‌شود وارد هدف اعلائی حیات خواهد کرد.

ج) اعتبار گزاره‌های دینی

یکی دیگر از مبانی کلامی سلامت معنوی که می‌توان گفت از اهمیت معرفتی نیز برخوردار است، اعتبار گزاره‌های دینی است بدین معنا که اولاً گزاره‌های دینی دارای اعتبارند و ثانیاً سلامت معنوی در قلمرو دین قرار دارد.

مطابق مبنای معرفت‌شناختی گزاره‌های دینی واقع‌نما هستند؛ زیرا سلامت معنوی دین‌داران به‌طور عمده از منابع دستاوردهای دینی تأمین می‌شود از همین رو لازم است گزاره‌های دینی دارای اعتبار باشند. منظور از معرفت دینی نیز مجموعه شناخت‌هایی درباره ادیان تحریف‌نشده الهی است که در بخش‌های عقاید، اخلاق و احکام و در بخش‌های هست‌ها و باید‌ها وجود دارد. در مورد اسلام به‌صورت خاص شامل مجموعه معرفت‌هایی است که بر پیامبر اکرم (ص) از سوی خداوند نازل شده است و تبیین آن بر عهده آن بزرگوار و اوصیای ایشان است (حسین زاده، ۱۳۸۶، ص ۷۴)؛ بنابراین تا از سوی دین‌داران واقع‌نمایی و معناداری گزاره‌های دینی پذیرفته‌شده نباشد، نمی‌توان بحث از سلامت معنوی را بیان کرد. مطابق همین واقع‌نمایی گزاره‌های دینی است که می‌توان گفت از یک‌سو قرآن و حدیث دو منبع اصلی دین به شکلی معتبر و

قابل اطمینان به دست ما رسیده است و از سویی دیگر اینکه سلامت معنوی در حوزه قلمرو دین و انتظار از دین قرار دارد. سلامت معنوی دقیقاً در قلمرو انتظارات از دین قرار دارد بدین معنی که علامه در این راستا معتقدند برای اینکه بتوانیم قلمرو دین را مشخص کنیم باید دید که چرا بشر به دین روی می‌آورد؟ در پاسخ به این سؤال است به تعریف دین و زندگی اشاره می‌کنند؛ بدین معنی که زندگی را به دودسته حیات طبیعی و حیات معقول تقسیم کرده چنانچه پیش‌ازین گذشت. علامه معتقدند زندگی طبیعی که همه موجودات هم از آن بهره‌مند هستند نیازی به دین نداریم بلکه دین در بعضی موارد مزاحم چنین حیاتی نیز است؛ اما حیات معقول که در برابر حیات طبیعی و معمولی قرار دارد تکاپویی آگاهانه در مسیر کمال انسان است (جعفری، ۱۳۸۵، ص ۱۲۶). ایشان در تعریف دین به دو رکن اساسی اشاره دارند:

رکن اول: اعتقاد به وجود خداوند بکتا، نظاره و سلطه مطلقه او بر جهان هستی و دادگری مطلق او، موجودی که هیچ‌گونه هوی و تمایلی به آن راه ندارد و جامع همه صفات کمالیه است که جهان را بر مبنای حکمت برین خویش آفریده است و انسان را از طریق دو راهنما (عقل و انبیا) در مجرای حرکت تکاملی تا ورود به لقای الهی قرار داده است. رکن دوم بیانگر برنامه حرکت به‌سوی هدف است که احکام و تکالیف نام دارد و از نظر علامه بر دو رکن (اخلاقیات و احکام فقهی) استوار است (همان، ص ۱۲۸). حال با نظر به این تعریف علامه ضرورت دین را تحقق حیات معقول، پاسخ به سؤالات اساسی بشر، تفسیر نهایی و ریشه‌یابی زیبایی‌های محسوس و معقول، احساس ناب درباره تکلیف برین و... می‌داند (همان، ص ۱۲۹).

این بیان علامه جعفری در مورد پیوند دین و حیات معقول و قرار گرفتن انسان در مسیر کمال که به سلامت معنوی کمک می‌کند در صورتی امکان‌پذیر است که اعتبار گزاره‌های دینی پذیرفته‌شده باشد و آن گزاره‌ها را معنادار بدانیم؛ به تعبیری

ماهیت سلامت معنوی و مبانی کلامی آن در نهج البلاغه...

بتوان سلامت معنوی را در قلمرو دین تعریف کرد چنانچه علامه جعفری در بیان قلمرو دین ارتباط انسان با خویشتن، ارتباط با خدا، ارتباط با جهان هستی و ممنوع خود را در تقسیم‌بندی احکام اولیه ذکر می‌کند و ارتباط با خدا یکی از مؤلفه‌های سلامت معنوی دانسته شد؛ از همین رو سلامت معنوی در قلمرو دین قرار دارد.

د) دست‌یابی به حیات معنوی به‌عنوان هدف‌گذاری دین‌داری

دین‌داری پوییش خردمندانه‌ای برای وصول به مراتب حیات طیبیه معنوی و یکی از مبانی کلامی سلامت معنوی همین حیات طیبیه محسوب می‌شود. انسان پس از توجه به هدایت الهی و شناخت مضمون دعوت پیامبران برای حرکت اختیاری به سوی کمال شایسته خود که همان سلامت معنوی در پرتو قرب الی الله است در صورتی که به مقتضای فطرت پاک الهی خود همچنان بر اصول و ارزش‌های انسانی باقی باشد، می‌تواند با خردورزی به این دعوت پاسخ مثبت دهد و با ایمان یعنی انتخاب آگاهانه و آزادانه نظام مبانی و ارزش‌های مبتنی بر دین حق که همان نظام معیار است و تصمیم و عزم جدی برای تعهد و عمل به این نظام معیار پوییش مداوم را بر اساس خردورزی انجام دهد؛ بر این اساس برای تحقق حیات طیبیه و نیل به سلامت معنوی در همه ابعاد از راه انجام اعمال صالح فردی و اجتماعی بر مبنای ایمان به عقاید ارزش‌ها احکام و احوال دینی و تکرار آن‌ها زندگی خود را تنظیم و معنا دهی می‌کند. این پوییش مداوم که در قالب باور تعهد قلبی و التزام عملی پدید می‌آید دین‌داری نام دارد که با مؤلفه‌های گوناگونی چون معرفت ایمان عمل صالح و اخلاق مراتب فراوان در بعد عقیدتی مناسبی تجربه دینی اخلاقی پیامدی قابل تحقق است. در حقیقت یکی از مبانی و پیش‌فرض‌های سلامت

معنوی این است که دین‌داری راه اصلی وصول به سلامت معنوی است.

به اعتقاد علامه جعفری، حیات معقول سه رکن اساسی دارد که علم، دین و فلسفه هستند و محوریت با دین است و می‌تواند بر علم پرتوافشانی کند و تذکر بدهد که اگر می‌خواهی انسان و طبیعت را بشناسی، انسان محدود به این طبیعیات صرف نیست. دین می‌تواند فلسفه را هم هدایت و پرتوافکنی کند، بدون اینکه باری بر پای فلسفه باشد و به فلسفه هم تذکر بدهد که حیات بشری بر مبادی و اصول الهی تکیه کرده است و اگر آن مبادی و اصول الهی در حیات انضمامی انسان لحاظ نشود، آن حیات از اعتبار و ارزش واقعی ساقط است. از نگاه ایشان اگر بخواهیم در معارف دینی برای حیات معقول عبارتی پیدا کنیم، حیات طیبیه است که ایشان این تعبیر را با اشاره به آیه «مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُجِيبَنَّ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» تعبیر می‌کرد و می‌گفت که حیات طیبیه‌ای که قرآن می‌گوید، همان حیات معقول است یا می‌گفت مستند حیات حقیقی آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ...» است. اگر شما دعوت الهی و پیامبران الهی را اجابت کنید، به حیات حقیقی که معقول است دست می‌یابید (جعفری، ۱۳۸۱، ص ۲۰۳).

ه) ولایت و امامت

ولایت و امامت با توجه به نقشی که در هدایت انسان برای رسیدن به کمال و حیات طیبیه به‌عنوان هدف سلامت معنوی دارد، می‌تواند یکی از مبانی کلامی و اعتقادی در این زمینه باشد. با بیانی اجمالی درباره ولایت و امامت می‌توان گفت پیامبر اکرم افزون بر تلقی ابلاغ و تبیین وحی و الگو بودن برای جامعه بشری ترویج دین و راهبری عام جامعه را نیز بر

عهده‌دارند. پیامبر به‌عنوان امام ولی امر و رهبر جامعه علاوه بر اجرای احکام اسلامی مصالح جامع را تشخیص می‌دادند و متناسب با آن‌ها حکم صادر می‌کردند و خداوند اطاعت از ایشان را افزون بر اطاعت خود لازم می‌داند بعد از ایشان امامان معصوم نیز در تبلیغ و رهبری عام جامعه اسلامی و الگوی بشریت جانشینان برحق پیامبر اکرم هستند که در راهبری معنوی نقش بی‌بدیلی دارند. نقش معصومان در سلامت معنوی بدین صورت است که تبیین علمی و معرفتی ارائه الگوی عملی و عینی و سرانجام راهنمایی و دستگیری از رهروان طریقت معنویت برای نیل به سلامت معنوی است.

در اینجا سخنان علامه جعفری در تبیین حقیقت این اصل مهم این است که امامت و ولایت تنها یک مقام ظاهری نیست، بلکه منصبی معنوی و روحانی است که علاوه بر رهبری حکومت اسلامی، هدایت همه‌جانبه انسان را در امر دین و دنیا بر عهده دارد. ایشان معتقد است ولایت انسان درباره خود، همان اختیار و مالکیت او است درباره خودش و جای تردید نیست که صاحب اختیار انسان درباره خویشتن همان شخصیت او است. ایشان با اشاره به آیات و روایات، معتقد بود مراد از ولایت، همان ولایت تکوینی است. علامه جعفری ولایت تکوینی را به دو نوع، ولایت تکوینی وجودی و ولایت تکوینی تعیینی تقسیم نموده است. وی در تعریف ولایت تکوینی وجودی اشاره می‌کند که فرد انسانی هرچه در راه تکامل بیشتر قدم بردارد، به رشد شخصیت بیشتری نائل می‌گردد و چهره الهی او بیشتر نمودار شده و تقربش به خدا نیز بیشتر می‌شود. در نتیجه قدرت تصرف و نظارت او در انسان‌ها به‌عنوان نماینده الهی (به معنای عمومی) بیشتر خواهد گشت. وی این قسم از ولایت را اکتسابی دانسته است؛ اما علامه جعفری ولایت تکوینی تعیینی را با توجه به مدارک اسلامی، اکتسابی نمی‌داند، بلکه منحصر در پیامبران عظام و جانشینان آن‌ها می‌داند. به نظر علامه اگر

ولایت انبیاء و جانشینان آنان تعیینی نبود، اولاً خاتمیت پیامبر اکرم (ص) مورد اشکال قرار می‌گرفت، ثانیاً هرکسی به مقام تقرب می‌رسید، می‌توانست ادعای پیامبری یا امامت داشته باشد. علامه در مقابل ولایت تکوینی، به ولایت تشریحی اشاره می‌کند و آن را مخصوص پیامبر (ص) می‌داند که قوانین الهی توسط او بیان شده است و پس از وی ائمه اطهار (ع) می‌توانند مفسر قوانین باشند. علامه جعفری در تبیین ولایت تشریحی آن را به دو قسم ولایت تشریحی در حقوق پیرو و ولایت تشریحی در حقوق پیشرو را حق قانون‌گذار یا قانون‌گذاران می‌داند که باید با توجه به مصالح اجتماعی قانون وضع نمایند و این حق را منحصر به پیامبر (ص) می‌داند؛ زیرا تمام دستوراتش مستند به وحی است و برای هیچ‌کس حق اظهارنظر در اصل قانون وجود ندارد مگر از ناحیه تفسیر، تأویل و تطبیق باشد.

به‌زعم ایشان هدف از شناخت علی (ع) تنها شناسایی یک شخصیت معین در برهه‌ای از تاریخ نیست؛ چراکه شناختن علی (ع) در واقع شناخت مجموعه قوانینی است که در انسان کامل تحقق یافته است. علامه جعفری معتقدند: رهایی علی (ع) از هرگونه تمایلات منفی و آزادی او از همه زنجیرهای فردی، اجتماعی و تاریخی و تحقق ارزش‌های گوناگون در وجود او، وی را نمونه کامل یک انسان الهی محبوب همگان قرارداد. ایشان تأکید می‌کنند برای شناخت شخصیت علی (ع)، باید دیدگاه حضرت را درباره حیات تفسیر کرد؛ علی (ع) حیات را به‌گونه‌ای تفسیر می‌کرد که «لذت و الم»، «ترس و شکست» و تمامی رویدادهای ناپایدار حیات برای او مانند حباب‌هایی ناپایدار تلقی می‌گشتند. به‌طورکلی اندیشه سیاسی علامه جعفری بر اساس مبانی فکری و فلسفی ایشان و با تلفیق شرع و عقل (در چارچوب نظریه حیات معقول) بر محور سیاست معقول شکل گرفته است و ایشان با تبیین چنین سیاستی اندیشه‌های سیاسی مادی‌گرایانه غرب را به چالش کشیده‌اند

(یوسفی راد، ۱۳۸۵، ص ۱۶۷-۱۶۹).

نتیجه‌گیری

اعتقاد به وجود خداوند به‌عنوان خالق و مدبر عالم، اساس سلامت معنوی را تشکیل می‌دهد. این باور به انسان احساس امنیت، آرامش و هدفمندی می‌دهد. علامه جعفری در آثار خود به این نکته اشاره می‌کند که شناخت خداوند و ارتباط با او می‌تواند به فرد کمک کند تا در مواجهه با چالش‌ها و مشکلات زندگی، امید و اعتماد به نفس بیشتری داشته باشد. این ارتباط معنوی نه تنها به تقویت احساس تعلق به یک قدرت بالاتر کمک می‌کند، بلکه به فرد این امکان را می‌دهد که در جستجوی معنا و هدف در زندگی خود باشد.

قرار گرفتن سلامت معنوی در قلمرو دین به‌عنوان مبنای کلامی دیگری است که در این مقاله بدان پرداخته شد. دین به‌عنوان یک نظام جامع اعتقادی و عملی، به فرد چارچوبی برای زندگی معنادار ارائه می‌دهد. آموزه‌های دینی نه تنها به فرد کمک می‌کند تا با چالش‌های زندگی به شکلی معنادار مواجه شود، بلکه به او یادآوری می‌کند که زندگی دارای هدف و معناست. علامه جعفری با تأکید بر ارتباط دین با زندگی روزمره،

به این نکته اشاره می‌کند که رعایت اصول دینی می‌تواند به تقویت روحیه معنوی و ایجاد آرامش در فرد منجر شود.

مفهوم حیات معقول که در اندیشه علامه جعفری رکن مهم اندیشه ایشان را تشکیل می‌دهد به معنای زندگی سالم و معنادار است که در آن فرد به دنبال تحقق ارزش‌های انسانی و الهی است. علامه جعفری بر این باور است که حیات طیبه نه تنها به بهبود کیفیت زندگی فردی کمک می‌کند، بلکه بر روابط اجتماعی و تعاملات انسانی نیز تأثیر مثبت دارد. این مفهوم به فرد انگیزه می‌دهد تا در جستجوی رشد و کمال باشد و به دیگران نیز کمک کند تا در این مسیر گام بردارند.

مفهوم امامت در کلام اسلامی به‌عنوان رهبری معنوی و الهی، نقش بسزایی در سلامت معنوی افراد دارد. علامه جعفری با تأکید بر این که امامان معصوم به‌عنوان الگوهای کامل انسانی، می‌توانند راهنمایی برای انسان‌ها در مسیر رشد و کمال باشند، به اهمیت این مفهوم پرداخته است. پیروی از آموزه‌های امامان و الگوگیری از رفتار و اخلاق آن‌ها می‌تواند به تقویت ارزش‌های معنوی و اخلاقی در فرد کمک کند و در نتیجه، سلامت معنوی او را ارتقاء بخشد.

منابع

1. آذربایجان، مسعود، (۱۴۰۲)، سلامت معنوی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
2. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۹)، اخلاق و مذهب، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
3. جعفری، محمدتقی (۱۳۸۱)، حیات معقول، تهران: انتشارات علامه جعفری.
4. جعفری، محمدتقی (۱۳۸۹)، علم و دین در حیات معقول، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار محمدتقی جعفری.
5. جعفری، محمدتقی (۱۴۰۰) ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، (دوره ۱۱ جلدی)، تنظیم و تدوین عبدالله نصری، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
6. جعفری، محمدتقی، (۱۳۷۸-۱۳۵۷)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
7. جعفری، محمدتقی، (۱۳۷۸-۱۳۵۷)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱۰، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
8. جعفری، محمدتقی، (۱۳۷۸-۱۳۵۷)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱۳، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
9. جعفری، محمدتقی، (۱۳۷۸-۱۳۵۷)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۴، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
10. جعفری، محمدتقی، (۱۳۷۸-۱۳۵۷)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۵، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
11. جعفری، محمدتقی، (۱۳۷۸-۱۳۵۷)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۸، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
12. جعفری، محمدتقی، (۱۳۸۱)، امام حسین شهید فرهنگ، پیشرو انسانیت، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
13. جعفری، محمدتقی، (۱۳۷۸-۱۳۵۷)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۲۶، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
14. حسین زاده، محمد، (۱۳۸۶) درآمدی بر معرفت‌شناسی و مبانی معرفت دینی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۶، طباطبایی، سید محمدحسین، قرآن در اسلام، قم: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰.
15. رحمانی، عبدالحمید؛ کرمی، محمد (۱۴۰۰)، «تحلیل رابطه حیات معقول با سلامت معنوی در اندیشه علامه جعفری»، نشریه سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، سال پنجم، شماره ۱، صص ۷۸-۸۵.
16. سید رضی، نهج البلاغه.
17. صادق زاده قمصری، علیرضا و دیگران، (۱۳۹۰)، مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
18. صالحی، اکبر؛ رضوان خواه سلمان (۱۳۹۶)، «احصا و بررسی روش‌های تعمیق سلامت معنوی از دیدگاه امام علی (ع)»، پژوهش‌های نهج البلاغه، شماره ۲، صص ۱-۱۸.
19. طباطبایی، سید محمدکاظم، (۱۳۹۰)، منطق فهم حدیث، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
20. نصری، عبدالله، (۱۳۸۳)، نکاپو گر اندیشه‌ها، زندگی، آثار و اندیشه‌های استاد علامه محمدتقی جعفری، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
21. یوسفی راد، مرتضی، (۱۳۸۵)، اندیشه سیاسی علامه محمدتقی جعفری، قم: پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، صص ۱۶۷-۱۶۹.
22. Advances in Mind-Body Medicine, 34(1), 6-12.
23. Hill, P. C. & Pargament, K. I. (2023). Advances in the psychology of religion and spirituality: Implications for health and well-being. *Psychological Science in the Public Interest*, 24(1), 1-30
24. Koenig, H. G. (2020). Religion, spirituality, and health: A review and update
25. Moberg, D. O. (2021). Spirituality and health: A comprehensive overview. *Journal of Health Psychology*, 26(4), 525-536.
26. Puchalski, C. M. & Ferrell, B. R. (2019). Making sense of spirituality in the context of patient care: A systematic review. *Journal of Palliative Medicine*, 22(3), 275-283.
27. Sulmasy, D. P. (2022). Spirituality, religion, and health: A review and critique. *American Journal of Medicine*, 135(5), 635-641.

The Nature of Spiritual Health and Its Theological Foundations in Nahj al-Balagha with a Focus on the Thought of Allameh Jafari

Zahra Abyar

Abstract

Spiritual health, as an important aspect of human well-being, has gradually become a central topic in scientific and clinical research in recent decades. This concept refers to the deep connection of individuals with themselves, others, and the surrounding world, encompassing various dimensions such as meaning, purpose, and values of life. According to recent theories, spiritual health not only acts as a protective factor against psychological disorders but is also recognized as a prerequisite for improving the quality of life and physical health. Theological foundations, particularly in religious texts, can serve as rich resources for enhancing spiritual health. Given the increasing importance of spiritual health in modern life and its positive impacts on mental and physical well-being, research in this area, especially in relation to theological and religious foundations, emerges as a scientific and social necessity. In light of this importance, this study employs a descriptive-analytical method to examine the nature of spiritual health and its theological foundations through the lens of Allameh Jafari's thought, a commentator of Nahj al-Balagha. One of the key findings of this research is that the essence of spiritual health in Allameh Jafari's thought is derived from purification, piety, and a virtuous life. Additionally, it was found that the existence of the Divine, the validity of religious propositions, the placement of spiritual health within the domain of religion, and the purposefulness of a virtuous life in religiosity, as well as the significance of leadership and authority, are the most important theological foundations that play a crucial role in human spiritual health.

Keywords: Allameh Jafari, Nahj al-Balagha, Spiritual health, spirituality, theological foundations.

